

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۳ اپریل ۲۰۲۰

طبقه کارگر و اپیدمی ویروس کرونا در جمهوری اسلامی

با شیوع ویروس کرونا در ایران که سیاست های ضد مردمی جمهوری اسلامی باعث گسترش هر چه وسیعتر و سریعتر آن گردیده، کارگران ایران بیش از هر قشر و طبقه تحت ستمی، قربانی عواقب جانی و مالی این فاجعه و سیاست های جمهوری اسلامی و سرمایه داران حاکم شده اند. از زمان تشدید بحران کرونا تاکنون کارگران بسیاری از کار بیکار شده و یا به دلیل فقدان وسائل ایمنی جهت جلوگیری از اشاعه کرونا در محیط کار به این ویروس کشنده مبتلا شده و عملاً جانیشان به خطر افتاده است. به همین دلیل هم بحران کرونا و تأثیرات ویرانگر آن با حیات و زندگی کارگران در آمیخته است. برای این که تأثیرات این بحران را در محیط کار بهتر درک کنیم اشاره به چند نمونه ضروری است.

اخیراً کارگران هپکو که سابقه مبارزاتی فراموش نشدنی در مبارزات و گسترش جنبش کارگری سال های اخیر دارند، از ناکافی بودن اقدامات پیشگیرانه جدی در مقابل ویروس کرونا در محیط های کار از سوی کارفرما خبر داده و اعلام کردند: "خواهان توزیع مواد ضد عفونی عمومی، ماسک، دستکش و ژل ضد عفونی کننده در این واحد تولیدی هستیم". همچنین کارگران پیمانکاری خدمات "جمع آوری زباله ها، فضای سبز" شهری تهران اعلام کردند: "پیمانکاران طرف قرارداد با شهرداری تهران برای جان کارگران ارزشی قائل نیستند. متأسفانه ما کارگران جمع آوری زباله و فضای سبز در این روزهای پرخطر ناشی از کرونا که همه به رعایت بهداشت فردی تأکید می کنند، بدون ماسک، دستکش و هرگونه محافظ دیگری در نقاط مختلف شهر مشغول کار هستیم." در موردی دیگر، کارگران شرکت لاستیک بارز کردستان هشدار می دهند: "به علت شرایط جمعی محیط کار خطر ابتلاء وجود دارد، در رختکن ۱۵ متری این کارخانه طی ۳ شیفت ۱۲۰ نفر لباس عوض می کنند. یعنی در هر شیفت ۴۰ نفر. سرویس بهداشتی ها مشترک و کوچک هستند و سرویس های ایاب و ذهاب هم شلوغ است" در حالی که در محیط کار این واحد تولیدی به گفته کارگران "در کل بیش از ۵۰ نوع ماده کیمیایی وجود دارد که باعث می شود، سالن ها پر از دود باشند. در ۲ سالن (سالن آمیزه مواد و سالن پخت) که مستقیم با مواد کیمیایی در ارتباط هستند، وضعیت ریه کارگران خطرناک است به گونه ای که اگر یک نفر مبتلا شود، هر آن می تواند اتفاق بسیاری بدی بیفتد." کارگران پیمانکاری پارس جنوبی که در عسلویه و کنگان مشغول کارند نیز اطلاع دادند که "اینجا وضعیت، نگران کننده است، وسایل بهداشتی خیلی کم است ... شایعاتی وجود دارد که ۳، ۴ نفر از کارگران عسلویه در بیمارستان، بستری و قرنطینه شده اند. با این حال، از آنجائی که تمام کارها و

پروژه‌ها، در پالایشگاه‌های عسلویه و کنگان به صورت دسته‌جمعی انجام می‌شود و کمپ‌های استراحت و اقامت نیز دسته‌جمعی است" اعلام می‌کنیم که: "نگرانی‌ها جدی‌ست".

همین چند نمونه مطرح شده در فوق که انعکاس بخشی از وضعیت کلی بهداشت و سلامت کارگران در جامعه در شرایط شیوع ویروس کرونا می‌باشند، کافی هستند تا این واقعیت را هویدا سازند که کارفرمایان، به قول کارگران شهرداری تهران: "برای جان کارگران ارزشی قائل نیستند" و در شرایط انتشار یک بیماری مرگبار و بدون درمان، کارگران را بدون وسائل بهداشتی لازم و کافی و مواد ضد عفونی کننده به کار گرفته و عملاً آنها را در معرض ابتلاء به ویروس کرونا قرار داده اند. با توجه به این که در برخی کشورها، دولت های سرمایه داری به اقداماتی نظیر تعطیل مراکز کار جهت حفظ سلامت جامعه دست زده اند، عدم توجه بورژوازی وابسته ایران و رژیم حافظش جمهوری اسلامی به امنیت جانی کارگران که آنها را در محیط های کار بدون وسائل مورد نیاز مبارزه با ویروس کرونا به کار می گیرند، بیانگر نهایت بی مسؤولیتی و گندیدگی آنان است که این گونه با زندگی کارگران بازی می کنند.

اما اهمیت ندادن به مسایل ایمنی و حفظ جان کارگران در محیط کار تنها یکی از سیاست های رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی است. به دنبال شیوع ویروس کرونا بسیاری از رستوران‌ها، مراکز ورزشی و تفریحی و کافی‌شاپ‌ها و مراکز تجمع کارگران روزمرد در میادین و ... تعطیل و کارگران آنها عملاً اخراج شده و یا امکان کارایی خویش را از دست داده اند، بدون این که کارفرماها هیچ مسؤولیتی نسبت به تأمین زندگی آنها بر دوش بگیرند. صاحبکارها تنها به کارگران گفته اند تا روشن شدن بحران کرونا ما تعطیل هستیم. هر وقت اوضاع به حال سابق برگشت ما هم قادر می شویم که دوباره کارگر استخدام کنیم. این فشار به کارگران در شرایطی است که دولت هم تاکنون هیچ مسؤولیتی در قبال آنان بر عهده نگرفته است.

بحران کرونا اگر چه بحرانی جهانی است که در خانه ماندن و قرنطینه کردن خود یکی از روش های جلوگیری از اشاعه بیشتر آن می باشد، اما تحت سلطه نظام سرمایه داری در جهان، میلیون ها نفر به دلیل نداشتن امکانات مالی و دست و پنجه نرم کردن با فقر قادر نیستند در خانه بمانند و خود را قرنطینه کنند و اجباراً باید با به جان خریدن همه خطرات به سر کار بروند. در چنین شرایطی، سرمایه داران و دولت های سرمایه داری با عدم اختصاص منابع لازم و مؤثر برای تأمین زندگی این توده زحمتکش، با جان آنان بازی می کنند؛ و به این گونه است که شیوع این ویروس مرگبار، نقش افشاگر ماهیت ظالمانه نظام سرمایه داری را که در آن جان انسان ها پیشیزی ارزش نداشته و تنها کسب سود ملاک هر گونه برخوردی می باشد نیز ایفاء می کند. در ایران، شیوه برخورد کارفرماها و دولت در جمهوری اسلامی با کارگران بار دیگر نشان می دهد که نظام سرمایه داری حاکم بر جامعه و رژیم حافظش هیچ ارزشی برای حیات کارگر قائل نیستند. البته در جمهوری اسلامی ظاهراً قانون کار هم وجود دارد که مثلاً در ماده ۸۵ آن مسؤولیت "حفاظت فنی و بهداشت محیط کار" بر دوش کارفرما قرار دارد و "شورای عالی حفاظت فنی" که ترکیب آن از مسؤولین دولتی و نمایندگان کارفرمایان و کارگران تشکیل شده مسؤولیت نظارت بر این مهم را بر عهده دارد. اما همانطور که در موارد سوانح حین کار شاهد بوده ایم نه دولت و نه کارفرماها مثل بسیاری دیگر از مواد این قانون کار فرمایشی، اهمیتی به این قانون نداده و برای پیشبرد کار خود، عملاً کم خرج ترین راه را انتخاب می کنند.

مال اندوزی سیری ناپذیر کارفرماها و ماهیت ضدکارگری جمهوری اسلامی در طول ۴۱ سال گذشته به کرات نشان داده که تنها راه خلاصی کارگران از فجایع ناشی از این نظام ظالمانه، مبارزه جهت سرنگونی نظام سرمایه داری و برقراری حکومتی به رهبری طبقه کارگر می باشد. بحران کرونا و عواقب مرگ آفرین آن بر حیات و کار طبقه کارگر ایران یکبار دیگر این حقیقت را با برجستگی در مقابل کارگران محروم و مبارز ایران به نمایش گذارده است.

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۷۵، پانزدهم فروردین ماه [حمل] ۱۳۹۹